

ویژگی‌های حکومت توسعه‌یافته در پرتو رهنمودهای امام علی(ع)

علی اصغر سعدآبادی*

علی اصغر پورعزت**

چکیده

بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای مسلمان مانند ایران اسلامی، به‌دنبال مدلی مناسب برای رسیدن به توسعه سیاسی پایدار هستند. جهان غرب، علی‌رغم موفقیت‌های فراوان در عرصه توسعه سیاسی، از بعد معنوی و انسانی دچار معضلات و مشکلات عدیده‌ای در این حیطه است. آنچه سبب شد توسعه سیاسی در غرب با این مشکلات مواجه شود، نگاه تک‌بعدی و مادی غرب به انسان و خواسته‌های او است. مدل‌های پیاده‌شده در کشورهای پیشرفته غربی را نمی‌توان عیناً در کشورهای در حال توسعه پیاده کرد؛ زیرا این مدل‌ها علاوه بر نگاه تک‌بعدی به انسان، پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی این کشورها را نیز در نظر نمی‌گیرند. از این حیث، هر ملت به یک مدل جامع مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای خود نیاز دارد. با توجه به انطباق فرموده‌های امام علی(ع) با مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی کشور ما، به‌نظر می‌رسد توسعه علوی را می‌توان به‌عنوان مدلی مادر، جهت رسیدن به توسعه سیاسی پایدار در نظر گرفت. در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از مدل سه‌شاخگی (3C)، اهداف و شاخص‌های توسعه سیاسی در سه شاخه اصلی رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای از دیدگاه امام علی(ع) به روش توصیفی - تحلیلی بررسی و سپس با تحلیل متون و گردآوری اطلاعات به شیوه غیرمستقیم کتابخانه‌ای و اسنادی، مدلی از توسعه سیاسی پایدار منطبق با فرموده‌های امام علی(ع) ارائه شود.

* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) alisadabadi@ut.ac.ir

** دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران، دکترای مدیریت دولتی (گرایش خط‌مشی‌گذاری)

Pourezzat@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۵

کلیدواژه‌ها: توسعه سیاسی پایدار، شاخص‌های توسعه سیاسی پایدار، اهداف توسعه سیاسی پایدار، امام علی(ع).

۱. مقدمه

وجود مدلی جامع که در آن، پیش‌زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، مذهبی و ملیتی کشورها در نظر گرفته شده باشد، برای نیل به توسعه سیاسی پایدار ضرورت دارد. پذیرش مطلق نظریات وارداتی توسعه سیاسی، بدون انطباق و بومی‌سازی آن با فرهنگ، مذهب و دیگر مسائل بومی، به معنی شکست در برنامه‌های راهبردی توسعه سیاسی است (← قورچیان، ۱۳۸۰: ۵۴)؛ بنابراین، اگر مدلی ساخته شود که هم جنبه‌های علمی را دربر و هم از جهت بومی و دینی با فرهنگ ملی و اسلامی همخوانی داشته باشد، می‌توان به تحقق توسعه سیاسی پایدار امیدوار بود.

در نظر بسیاری از دانشمندان دنیای اسلام، سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی(ع)، بعد از قرآن کریم، والاترین سخنان از جهات فصاحت، بلاغت، محتوا، غنا و جامعیت است؛ از این رو، در این پژوهش سعی شده است مدلی بومی از توسعه سیاسی پایدار مبتنی بر فرموده‌های امام علی(ع) ارائه شود.

توسعه سیاسی از مباحث مهمی است که تبیین آن با رویکرد اسلامی می‌تواند نقطه عطفی در تحولات سیاسی در سطح کلان پدید آورد. توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)، نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که وسیله‌ای جهت تعالی انسانی در نظر گرفته می‌شود. در طول تاریخ کهن ایران، هرگاه مردم در صدد ارزیابی حکومتی برآمده‌اند، آن را با حکومت امام علی(ع) مقایسه کرده‌اند؛ که این، نشان‌دهنده اعتقاد عمیق ایرانیان به علی(ع) و حکومت آن حضرت(ع) است.

۲. بیان مسئله

حکومت یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که شکل‌های نخستین آن با پیدایش اولین جوامع انسانی پدیدار شده است و انسان‌ها به‌فراخور سیر تکامل آرا و اندیشه‌های خویش، اشکال متنوعی از آنها را شکل داده و تکامل بخشیده‌اند. زیباترین و نیک‌فرجام‌ترین گونه‌های حکمرانی و حکومت در طول تاریخ را پیامبران برگزیده خداوند متعال و اولیای او، در سنت‌های پاکیزه حضرت داوود(ع) و حضرت سلیمان(ع) به‌مدد معجزات الهی

متجلی کردند و اینها گویا مقدمه آشنایی بشر با ویژگی‌های حکومت موعود و زمینه اشتیاق به حکمرانی عدل را فراهم آورده است. ولی ادبیات این نوع حکمرانی، در دوره‌های کوتاه مدت پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) فراهم آمد و بدین ترتیب شکل حکومت توسعه‌یافته مستندسازی شد، آن‌چنان‌که هرگونه اجتماع بشری بتواند با سازوکارهای عادی به مراتبی از شاخص‌های آن دست یابد (پورعزت، ۱۳۸۸: ۱).

درخور تأمل است که پرمایه‌ترین متون ادبی به‌جای‌مانده برای بازسازی این سنت الهی، به دوران حکومت کوتاه امام علی (ع) مربوط است؛ دورانی که علی‌رغم کوتاهی، بیشترین دستاورد جامعه بشری را در تحقق «حکمرانی توسعه‌یافته» عرضه داشته و مصادیق اجرای حکومت توسعه‌یافته را نمایان ساخته است.

امروزه، از یک سو شاهد تحولات وسیع اصول، مبانی، شاخص‌ها، تئوری‌ها و اهداف توسعه سیاسی هستیم و از سوی دیگر، در منابع و مآخذ دینی، مصادیق و مؤلفه‌های فراوانی درباب توسعه سیاسی به چشم می‌خورد. لذا در این پژوهش تلاش شده است با توجه به دو پیشینه نظری موجود، یک الگوی بومی از توسعه سیاسی پایدار مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) ارائه شود.

بنابراین، اهداف این پژوهش را در قالب گزاره‌های زیر می‌توان رصد کرد:
— ارائه مدل پیشنهادی برای نیل به توسعه سیاسی پایدار با الهام از آموزه‌های امام علی (ع)؛
— استخراج محتوا (مؤلفه و شاخص‌ها) برای مفاهیم و سازه‌های توسعه سیاسی پایدار با الهام از آموزه‌های امام علی (ع)؛

و مهم‌ترین سؤالات این پژوهش را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

- تعریف توسعه سیاسی پایدار از دیدگاه امام علی (ع) چیست؟
- اهداف و شاخص‌های توسعه سیاسی پایدار از دیدگاه امام (ع) کدام‌اند؟

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، توسعه‌ای و کاربردی و هدف آن توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص (توسعه سیاسی پایدار) است. ابتدا به روش تفسیری، شاخص‌ها و اهداف توسعه سیاسی در مکتب علوی بیان و سپس با روش تحلیل مضمون و گردآوری اطلاعات به شیوه مستقیم کتابخانه‌ای سعی شده است این فرضیه بررسی شود که توسعه علوی، راهی

مطمئن و عملی جهت دستیابی به توسعه سیاسی پایدار است. در بخش‌هایی از تحقیق، به شیوه پژوهش‌های تاریخی، از روش اسنادی برای بسط موضوع استفاده شده است. ماهیت پژوهش کیفی و روش به‌کارگرفته‌شده در آن، توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل مضمون است؛ که یکی از روش‌های پایه‌ای و کارآمد تحلیل کیفی است (Braun & Clarke, 2006: 78). در واقع، تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵-۱۵۴). این روش، متضمن طراحی مجموعه‌ای نظام‌یافته از گزاره‌های منطقی است که از هرگونه تناقض، ناسازگاری و تکرار مبرا باشد و بتواند مختصات اصلی سیستم علمی یا مفهومی موردنظر پژوهشگر را وصف کند؛ بنابراین، از مجموعه سخنان به‌جای‌مانده از حضرت(ع)، به‌مثابه مبنای بازپردازی نظری حکومت توسعه‌یافته استفاده شد، ضمن اینکه برحسب موضوع، دیدگاه‌های امام(ع) درباره مقوله‌های سیاسی با بهره‌گیری از واژگان و شاخص‌های معینی در ارتباط با این حوزه‌ها تفکیک شد.

۴. مبانی نظری پژوهش

توسعه پایدار عبارت است از تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی، بدون آسیب‌زدن به توانایی نسل‌های آتی برای برآورده کردن نیازهایشان. توسعه پایدار، تنظیم و ساماندهی تعامل انسان و محیط و تعامل انسان با انسان را دربر می‌گیرد (Lélé, 1991: 607-21).

توسعه سیاسی در معنا و مفهوم امروزی آن فرایندی است که بعد از جنگ جهانی دوم به‌وجود آمد. با وجود پیشرفت‌های شگرف در زمینه توسعه سیاسی، هنوز ابهامات زیادی درباره این دانش‌واژه وجود دارد(عالم، ۱۳۸۲: ۱۲۳). دانشمندان در حوزه‌های مختلف، تعاریف گوناگونی از توسعه سیاسی ارائه می‌کنند. این دانش‌واژه به‌دلیل آنکه در حوزه‌های گوناگون مطالعاتی به‌کار می‌رود و دانشی بین‌رشته‌ای تلقی می‌شود، تعریف دقیق و مشخصی ندارد. اما برخی از متداول‌ترین تعاریف از دیدگاه صاحب‌نظران این رشته چنین است:

توسعه سیاسی عبارت است از تعامل مستمر بین فعالیت‌های ساختاری، ظرفیت‌های همگرا، الزامات برابری، پاسخگویی و نظام سازگار شونده سیاسی. (Kelman, 1958).

هانتینگتون توسعه سیاسی پایدار را در قالب انفکاک ساختاری، مشارکت داوطلبانه، دولت عقلایی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مستمر تعریف می‌کند. (Huntington, 1976: 8)

توسعه سیاسی کوشش آگاهانه، پیوسته، منظم، واحد، نهادی و برنامه‌ریزی شده برای نیل به پیشرفت سیاسی است که با یکپارچه‌سازی تلاش‌های مردم و دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر منطقه، آنها را به مشارکت در پیشرفت ملی قادر می‌سازد. بنابراین، منظور از توسعه سیاسی پایدار، تغییری همه‌جانبه و چندبعدی است که همه ابعاد زندگی انسان را با یک چهارچوب نظری و برنامه عملی واحد، متحول می‌سازد.

مدل سه‌شاخگی (The Three Dimensional Model of co-structure- content- context) در طبقه‌بندی مدل‌ها، از نوع مدل‌های منطقی به حساب می‌آید و بسیاری از مفاهیم، رویدادها و پدیده‌های فراگیر را در قالب این مدل می‌توان بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. بر این اساس، عوامل ایجادکننده یک مسئله در قالب سه دسته از عوامل (رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای) بررسی می‌شود. چهارچوب مفهومی (Conceptual Models) این پژوهش بر مبنای این مدل ساختار یافته است (Mirzai Ahranjani, 1976: 383-412).

عوامل رفتاری (محتوایی) (Content Factors)، کلیه عوامل و شاخص‌های مربوط به نیروی انسانی هستند که در توسعه پایدار مؤثرند. عوامل ساختاری (Co- Structure Factors)، تمامی عوامل غیرانسانی همچون ساختار، قوانین، مقررات، رویه‌ها و مجموعه‌ای از روابط حاکم بر افراد و گروه‌ها را که در توسعه پایدار مؤثرند، شامل می‌شود. عوامل زمینه‌ای (محیطی) (Context Factors)، همه عوامل خارج از حیطه اختیارات و کنترل ما را که زمینه‌ساز عوامل رفتاری و ساختاری هستند و بر توسعه پایدار تأثیرگذارند، دربر می‌گیرد.

۵. پیشینه پژوهش

از جمله مباحثی که در نهج‌البلاغه فراوان درباره آن بحث شده، مسائل مربوط به حکومت‌داری است؛ از این رو، شاهد آثار متنوعی از جهت انطباق مباحث مربوط به سیاست و حکومت‌داری با بیانات امام(ع) هستیم (← خنیفر، ۱۳۸۴: ۱۰۳) اما متأسفانه به توسعه سیاسی در پرتو رهنمودهای امام(ع) کمتر توجه شده است.

توسعه سیاسی از دیدگاه امام(ع)، در کتاب‌های توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع) (علیخانی، ۱۳۷۹) و توسعه سیاسی از دیدگاه نهج‌البلاغه (علیخانی، ۱۳۸۱) بررسی و بسط داده شده است.

در کتاب *عهدنامه امیر(پورعزت، ۱۳۸۹)*، درباره توسعه سیاسی و بسط آن در عهدنامه مالک اشتر به اجمال بحث شده است.

با تحلیل محتوای خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار به جای مانده از امیرالمؤمنین(ع) می‌توان به میزان اهمیت مبحث توسعه سیاسی از دیدگاه امام(ع) پی برد. هرچند توسعه سیاسی از دیدگاه امام(ع) در بسیاری از آثار به‌طور کلی بررسی شده، تاکنون مدلی جامع برای فهم توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع) ارائه نشده است. به همین جهت، در این پژوهش، ضمن تلاشی تفسیرگرایانه، شاخص‌ها و اهداف توسعه سیاسی در مکتب علوی بررسی و سعی شده است مدلی بومی از توسعه سیاسی پایدار مبتنی بر بیانات امام(ع) ارائه شود.

۶. توسعه سیاسی در پرتو بیانات امام علی(ع)

مهم‌ترین ابعاد توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع) را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:
الف - به نظر می‌رسد توسعه انسانی، مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی از دیدگاه امام(ع) است (← *غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۳۲۲*). در بیانات امام(ع) بین مردم از نژادها، قوم‌ها و قبیله‌های متفاوت و با رنگ و زبان و گویش‌های مختلف، فرقی گذاشته نشده است و همه در توسعه و فواید حاصل از آن سهم مساوی دارند (المحمودی، ۱۹۶۸: ۳۹۰-۳۹۸). در بحث از توسعه سیاسی پایدار، حکومت باید در قبال تمامی ملت ادای وظیفه کند. امام علی(ع) در خطبه ۳۴، به رفتار مسئولان و وظایف پیروان اشاره، همه را به جامعه‌سازی دعوت و لزوم همکاری در ساخت جامعه را بر همگان گوشزد می‌فرماید (← *نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۳۴، ص ۵۷*).

ب - رضایت آحاد مردم، معیاری برای ارزیابی توسعه سیاسی است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی حکومت‌ها و متصدیان آنان، همانا رضایت آحاد مردم^(۱) است (← *نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶*). دولت باید بتواند به عامه مردم هویت سیاسی دهد و آنها را به حضور فعال در جامعه ترغیب کند. گامی در جهت توسعه برداشته نخواهد شد مگر آنکه مردم با اختیار در فرایند توسعه سیاسی مشارکت کنند. تأکید امام(ع) آن است که رسیدگی به کارهای خرد و به‌ظاهر ناچیز را به‌بهانه رسیدن به کارهای کلان، به مردم وامگذار (← *نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۵۱-۴۵۰*). بدین ترتیب، کسب رضایت آحاد مردم، حتی در امور جزئی، شاخص ارزیابی توفیق حکومت است.

پ - عدالت و توسعه سیاسی پایدار، رابطه‌ای ناگسستنی دارند. عدالت اجتماعی، برآیند تحقق عدالت در نهادهای گوناگون جامعه در عرصه‌های اقتصاد، تعلیم و تربیت، قضاوت و قانونگذاری است. امام علی (ع) عدالت را شرط ضروری استواری روابط مردم و حاکمیت و آهنگ پیشرفت جامعه می‌داند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۶۱۵). توسعه سیاسی پایدار، موقوف به تسری عدالت در کلیه امور است.

ت - مسئولیت‌شناسی متقابل کارگزاران و مردم در کلیه امور ضرورت دارد. هیچ حقی یک‌طرفه نیست و هر جا که سودی حاصل شود، مسئولیتی نیز به دنبال دارد. بزرگ‌ترین حق، حق والی بر مردم و حق مردم بر والی است. هرگز مردم اصلاح نشوند مگر والیان اصلاح شوند، و والیان اصلاح نشوند مگر پیروان پایداری و ایستادگی کنند (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۲۱۵، ص ۳۴۰). رهبر و پیرو باید در تمامی امور با هم تشریک مساعی داشته باشند و این امر باید با رضایت باطنی پیروان (Kelman, 1958: 51-60) همراه باشد تا به توسعه سیاسی پایدار منجر شود.

ث - یکی از ملزومات رسیدن به توسعه سیاسی پایدار، وجود سیستم اطلاعاتی مناسب است. وجود یک سیستم اطلاعاتی جامع و اثربخش، لازمه موفقیت حکومت در تحقق برنامه‌ها و اهداف اجتماعی است؛ و توسعه پایدار، در گرو ارتباط منطقی اهداف و برنامه‌های توسعه سیاسی است (Korhonen et. al, 2004: 809-23). از این رو، امام (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه، بر ضرورت استفاده از عیون و نگاهبانان برای گزارش امور به حاکم تأکید کرده‌اند.

ج - برای توسعه سیاسی پایدار، همکاری همه اقشار جامعه ضروری است. دسته‌های مردم، گوناگون‌اند و کار بعضی جز در وابستگی به دیگران به سامان نمی‌رسد (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۹). هیچ دسته‌ای از دسته دیگر بی‌نیاز نیست و نادیده‌انگاشتن هر قشر ممکن است ضربه‌ای مهلک بر روند توسعه حادث کند.

چ - اصل نظارت و پاسخ‌گویی در مسیر توسعه سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. در مجموعه نظام سیاسی، کیفیت کار کارکنان باید سنجیده و به هر کس به میزان لیاقت، شایستگی و کارآیی‌اش، ارزش و اهمیت داده شود و اگر کوچک‌ترین تخلفی در هر سطح صورت پذیرد، عاملان آن مجازات شوند. بنابراین، حرمت سیاسی اجتماعی افراد برابر است؛ ولی موقعیت برتر هر فرد، برحسب میزان شایستگی او تعیین می‌شود. به این ترتیب، افراد شایسته به کار و تلاش هرچه بیشتر دلگرم می‌شوند، ضریب دقت سایر اجزای سیستم

افزایش می‌یابد، و به تدریج مدیریت‌های ضعیف کنار می‌روند و مدیریت‌های قوی و باکفایت جایگزین آنها می‌شوند. در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه تصریح شده است: مبدا نیکوکار و بدکار در دیده‌ات برابر آید که این صورت، رغبت نیکوکار در نیکی کم و بدکردار به بدی وادار می‌شود (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۸).

امام(ع) همواره بر ضرورت نظارت بر کار کارگزاران تأکید می‌فرمودند: نظارت بر کار کارگزاران را در دستور کار خویش و از مهم‌ترین امور قرار دهید (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۳-۴۵۲).

امام(ع) مسئولیت و منصب دولتی را امانتی از جانب خدا می‌دانستند و می‌فرمودند: «مسئولیت یک حرفه نیست، بلکه امانتی است از جانب خدا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵، ص ۳۷۵)؛ و در امتداد همین طرز تلقی است که بر پاسخگویی مسئولان درمقابل پروردگار متعال تأکید می‌شود. این پاسخگویی باید به کلیه ارکان جامعه تسری یابد، آن‌چنان‌که همه آحاد جامعه خود را درمقابل خداوند مسئول بدانند و در محضر او و برای رضای او فعالیت کنند. این چنین تعهدی در برابر مسئولیت، توسعه سیاسی پایدار را محقق خواهد کرد. ح - توسعه سیاسی پایدار، موقوف به رعایت اصل اعتدال است. حضرت(ع) در تمامی امور، مردم را به اعتدال دعوت می‌فرمایند و کندروی و تندروی را ناپسند می‌شمارند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۵، ص ۳۱). در وصف مالک آمده است: مالک اشتر در موقعیت لزوم سرعت، هرگز سستی نکند و آنجا که تأمل و درنگ بهتر است، هرگز شتابزده نیست (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۱۳، ص ۳۸۳). تجربیات کشورهای در حال توسعه نیز بیانگر آن است که شتابزدگی یا کندروی، همواره باعث انحطاط مسیر توسعه سیاسی می‌شود (Ramos, 1974: 8-23).

خ - حاکمیت اخلاق بر رفتار حکومت و تعهد به وعده‌های پس از رسیدن به قدرت، مردم را امیدوار می‌سازد و اعتماد آنها را افزایش می‌دهد. دشمنی بزرگی است در نزد خدا که چیزی را که می‌گویید، به عمل درنیاورید (صف/۳)؛ مبدا آنکه به مردم وعده‌ای بدهی و برخلاف آن عمل کنی (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۶۱). عدم تغییر در راه راستینی که انتخاب می‌شود و پایبندی به اصول فرهنگی، مذهبی، و اجتماعی، از وظایف کارگزاران برای اداره کشور در جهت حصول به توسعه سیاسی پایدار است. وفاداری حاکم موجب دلگرمی پیروان به حقانیت و درستی رهبران و در نتیجه همکاری عملی آنان در راه توسعه سیاسی است.

د - سوءتدبیر، مانع تحقق اهداف حکومت اسلامی و توسعه سیاسی پایدار است. حکومت، مدیریت است (غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۸)؛ و نهج البلاغه کتاب تدبیر و خردورزی است. سوءتدبیر به آشفتگی امور می انجامد؛ چنان که امام(ع) در خطبه ۹۷ برای حکمرانی بنی امیه پیش بینی کرده اند: سوءمدیریت آنها کار را به جایی خواهد رساند که همه مردم بگریند، عده ای بر دینشان و عده ای بر دنیایشان (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۹۷، ص ۱۳۴). برای رسیدن به توسعه سیاسی، مدیریت منابع و روش ها گامی اساسی است (Tsai and Chou, 2009: 1444-58)؛ گامی که طی آن تلاش می شود همه منابع موجود به بهترین سطح بهره‌وری برسد.

ذ - همه باید در برابر قانون برابر باشند. در مکتب علوی، همه از حقوق مساوی برخوردارند و در برابر قانون، حزب و گروه و طبقه و لباس و ثروت نمی تواند موجب تبعیض و برتری فردی بر فرد دیگر شود. از امام(ع) خطاب به مالک چنین روایت شده است: پرهیز از مقدم داشتن خود در اموری که مردم در آن مساوی اند (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۶۱). در جامعه ای که قانون فقط در مورد ضعیفان و بی پناهان اجرا شود و ثروتمندان و متنفذان و نخبگان از آن مستثنی باشند، توسعه سیاسی پایدار تحقق نمی یابد: «ای مردم! من یکی از شمایم، با هر یک از شما در حق و وظیفه برابریم؛ همانا در عدل گشایشی است و آن که عدل بر او سخت باشد، ستم را سخت تر یابد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۷: خطبه ۱۵، ص ۶۱).

ر - نیرنگ بازی و سیاست زدگی مانع توسعه سیاسی پایدار است؛ گرچه دیرزمانی است که نیرنگ و فریب چنان با سیاست و حکمرانی به هم آمیخته است که تصور جدایی آن دو و حتی موفقیت سیاست بدون نیرنگ، دشوار به نظر می رسد. امام(ع) در طی حکومت خود، تحت هیچ شرایطی حاضر نشد از شیوه های غیراخلاقی و غیرانسانی بهره گیرد. آن حضرت(ع)، اهتمام حاکم به مکر و حيله را حتی اگر موجب دوام حکومت شود، از حماقت و بی عقلی او می دانند و برآنند که حاکمی که مکر و حيله یا تکبر کند، از بی عقلی و حماقت خود در حکومت خود پرده برمی دارد (قزوینی، ۱۳۷۱: ۵۱).

ز - شایسته سالاری در انتصابات حکومتی برای نیل به توسعه سیاسی پایدار ضروری است. مهم تر آنکه دلیل برگشتن دولت ها چهار چیز است: ۱. ضایع گذاشتن اصول، ۲. تمسک به فروع، ۳. مقدم داشتن افراد پست و ناقابل، ۴. مؤخر داشتن افراد والا و قابل (غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۳۷۶). در واقع شایسته سالاری مقدمه توسعه

سیاسی است. در فضای سیاسی منحرف، شایستگان که توانایی انجام امور را دارند، از کرسی‌های حکومتی دور می‌مانند و جای آنها را افراد نالایق پر می‌کنند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۹۲-۱۸۵)؛ ضمن آنکه حاکمیت بی‌خردان، مترادف است با بیکارکردن پارسایان و این چنین سیرتی به جنگ با پارسایان و یاری کردن فاسقان منجر خواهد شد (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۴، ص ۲۲) و فقرای جامعه را در معرض هلاکت قرار خواهد داد (غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۳۷۷).

ژ - مشروعیت نظام و اعتماد مردم به حکمرانان، برای توسعه سیاسی پایدار ضروری است. شایسته‌سالاری بر اعتماد مردم می‌افزاید و مشروعیت نظام را افزایش می‌دهد. به هر حال، نیل به توسعه سیاسی در گرو آن است که حکومت در نقش راهبر توسعه، از دیدگاه مردم مشروع باشد (Tullis, 1973, 111).

س - حاکمیت گفتمان و پرهیز از خشونت، از جمله راهبردهای نیل به توسعه سیاسی است. امام(ع) از جنگ و خونریزی بیزار بودند و خونریزی به‌ناحق را از عوامل زوال حکومت می‌دانستند (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۵۹). بنابراین، هرگاه امکان حل مسالمت‌آمیز بحرانی وجود دارد، باید از خشونت، جنگ و خونریزی پرهیز کرد. حتی گاهی که یاران امام(ع) در برابر مخالفان حکومت یا توهین‌کنندگان به حضرت(ع) دست به شمشیر می‌بردند، امام(ع) آنها را از خشونت منع می‌کرد؛ چنان‌که در نامه‌ای از ایشان خطاب به زیاد ابن ابیه (حاکم فارس و شهرهای تابعه) آمده است: کار به عدالت کن و از ستم و بیداد پرهیز، که ستم مردم را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیر را به میان آرد (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۴۴۶، ص ۵-۵۷۴). بنابراین، برای متعادل‌سازی و جلب مشارکت فعال مردم باید از راه گفت‌وگو و مباحثه تلاش کرد (علیخانی، ۱۳۸۱: ۳۶).

ش - فرهنگ نقدپذیری، راهی فراروی توسعه سیاسی است: مرا با نیکخواهی و اندرزهای خود یاری دهید، اندرزهایی پیراسته از فریب و ریا (نهج البلاغه، ۱۳۷۷: خطبه ۱۱۷، ص ۲۷۵). توسعه سیاسی فرایندی پیچیده است که در تعامل بین دولت و مردم شکل می‌گیرد؛ بنابراین، مراوده با مردم و بهره‌گیری از انتقادات آنان موجب هدایت بهتر منابع توسعه می‌شود.

ص - اجتناب از فردمحوری و اهتمام به کار گروهی برای نیل به توسعه سیاسی پایدار ضرورت دارد. توسعه سیاسی، مشروط به اجتناب از استبداد و خودرأیی است (پورعزت، ۱۳۸۹: ۹۲-۱۸۵). صرف حاکم بودن، دلیلی بر صحت گفته‌ها نخواهد بود. امام(ع) شورا را

همواره بزرگ می‌داشتند (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۸-۴۴۷)؛ ضمن آنکه در اسلام، تصمیمات گروهی همیشه بر تصمیمات فردی ارجحیت دارد.

ض - برخورد با سهل‌انگاران و متخلفان، لازمه نیل به توسعه سیاسی است. در واقع رشد و پیشرفت جامعه، منوط به حفظ سلامت نظام سیاسی جامعه است (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۵۳)؛ و در جهت حفظ این مهم، به کوچک‌ترین تخلفی در سیستم اداری نباید با دیده اغماض نگریست. در یک سیستم فاسد، اهداف توسعه سیاسی محقق نخواهد شد.

ط - حاکم باید مردم را از امور آگاه سازد (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶)؛ زیرا این حق مردم است که از کلیه امور مملکتی آگاه باشند. مردم، به‌عنوان پایه‌های اصلی حکومت، همواره حق دارند که در جریان همه مسائل کشور قرار گیرند. رعایت اصول اخلاقی حکومت‌داری، شفاف‌سازی و پرهیز از استبداد، از لوازم توسعه سیاسی محسوب می‌شوند (Morito, 2000: 47-9): «آگاه باشید که حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی، هیچ رازی را از شما پنهان ندارم» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۰، ص ۴۴۱).

ظ - مشاوره با متخصصان و دانشمندان در امور، روند توسعه سیاسی را تسریع و تصحیح می‌کند. در نامه ۵۳، خطاب به مالک چنین آمده است: مالک! با دانشمندان بسیار بررسی کن و با فرزانتان بسیار به گفت‌وگوی علمی بنشین (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۹). توسعه سیاسی، فراگردی راهبردی، چندوجهی و پیچیده است؛ و برای فائق آمدن بر این پیچیدگی‌ها، جلب همکاری متخصصان و خبرگان زمینه‌های گوناگون ضروری است (Jørgensen, 2004: 37-60).

ع - ممانعت از ویژه‌خواری، لازمه تحقق توسعه سیاسی است. در مکتب علوی، رجحان منافع عده‌ای خاص بر عموم ملت تقبیح شده است (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶)؛ چراکه ویژه‌خواری، مانعی بزرگ در مسیر توسعه سیاسی پایدار است (Pareto, 1991: 34-85).

غ - حکومت اسلامی موظف به تأمین نیازهای افراد جامعه در جهت نیل به توسعه سیاسی است. وظیفه حکومت، کاهش مشقت‌های مردم و بهره‌مند کردن آنها از وضع اقتصادی بهتر و رفاه نسبی است. اهمیت توجه جدی به فقرا و فرودستان، حق مردم بر رهبر اسلامی است (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۳۴، ص ۵۷). اگر فرد یا گروهی از مردم از تصمیمات و یا خط‌مشی‌های دولت دچار خسران و زحمت شود، وظیفه حکومت جبران خسارت است. حکومت باید برای خروج از بحران و پشت‌سرگذاشتن دوره‌های رکود و

تورم و اصلاح امور اقتصادی، برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی کند. حکومت اسلامی، مسئول توسعه، عمران و آبادی سرزمین‌های اسلامی است؛ با این حال، اگر فردی به دلایلی، موفق نشد بر مشکلات خود غلبه کند و دچار فقر شود، از وظایف دولت اسلامی است که نیازهای اساسی او را تأمین کند. خداوند حکام را به‌خاطر کوچک‌ترین سهل‌انگاری درمورد اقشار فقیر بازخواست می‌کند (پورعزت، ۱۳۸۹: ۷۴-۱۶۵).

ف - توسعه زیرساخت‌ها برعهده حکومت است. در روایتی از قول امام(ع) به یکی از کارگزاران حکومتی آمده است: «گروهی از حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و چنین اظهار کردند که اگر نهر متروک و غیرقابل استفاده آنها لایروبی و حفاری شود، شهرهای آنها آباد و برای ادای خراج توانمند و در نتیجه بر درآمد مسلمین افزوده می‌شود و از من درخواست کردند نامه‌ای برای تو بنگارم که در انجام چنین کاری آنها را جمع کنی و نیروی آنها را در حفر و عمران نهر و تأمین هزینه آن به‌کارگیری. من اجرای خواست آنها را به شما ارجاع می‌دهم؛ و اگر دست به عمران نهر شوی و وضعیت مالی آنها تقویت شود، از نظر من بهتر است تا اینکه در ضعف درآمد مالی باقی بمانند» (المحمودی، ۱۹۶۸: ۳۹۵). امور زیرساختی، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های سنگین مالی است که معمولاً از عهده بخش خصوصی بر نمی‌آید. ساخت ملزومات زیربنایی کشور در جهت نیل به توسعه پایدار، از جمله وظایف حکومت اسلامی است. زیرساخت‌ها باید در جهت تأمین امنیت، رفاه مسلمانان و آبادانی کشور توسعه یابند (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۵۳).

ق - برای نیل به توسعه سیاسی پایدار، رویکرد آینده‌پژوهانه ضرورت دارد. فراگرد توسعه، فراگردی پیچیده است که باید در ورای نسل‌ها و عصرها دنبال شود (پورعزت، ۱۳۸۹: ۷۴-۱۶۵). مسائل راهبردی و کلان کشور را باید همواره در بعد زمان ملاحظه کرد؛ زیرا اهداف راهبردی چون توسعه سیاسی پایدار، در قالب برنامه‌های بلندمدت از حال تا آینده دور، برنامه‌ریزی می‌شوند (Conn, 1994: 1-4). امام(ع) پیروان خویش را به تفکر و تفحص در تاریخ دعوت می‌کنند و گذشته را مملو از تجربه‌های ارزشمند برای رسیدن به آینده نیکو می‌دانند (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۳۱: نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۴، ص ۲۱). البته در اینجا دو سطح از آینده‌نگری مدنظر است: اول، حفظ دارایی مادی برای فردای نزدیک، آن‌چنان‌که بتوان زندگی معقولی را برنامه‌ریزی کرد؛ دوم، حفظ دارایی معنوی از طریق انفاق، آن‌چنان‌که آخرت را دریابد.

ک - انسان را باید به‌مثابه محور توسعه در نظر آورد. در رویکردهای ماتریالیستی،

چنین فرض می‌شود که مسیر حرکت و فعالیت انسان را فقط استعدادهای مادی شکل می‌دهند و بنیان فلسفی اصالت فرد نیز از همین دیدگاه شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که در نهج‌البلاغه، انسان با ویژگی‌های چندبعدی در نظر گرفته شده و همزمان به ابعاد مادی و معنوی او توجه شده است. انسان ایدئال در فرهنگ نهج‌البلاغه، نماینده و ولی خداست (← نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۲).

در مکتب علوی، نگاه ابزارگونه به انسان مردود است و بین فعالیت‌های تولیدی، عبادی و استراحت، همواره تعادل در نظر گرفته شده است: مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به استفاده از لذت‌های حلال (← نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۳۶۶، ص ۵۶۰). غرب با مقوله اخلاق در توسعه سیاسی برخورد ابزاری دارد؛ درحالی‌که در مکتب علوی، اخلاق از ارکان و اصول توسعه سیاسی است.

گ - توجه به وضعیت معیشتی کارکنان، موجب افزایش انگیزه در کار و حرکت سریع‌تر چرخ توسعه می‌شود؛ علاوه بر آن، وقتی کارگزاران از لحاظ مادی تأمین باشند، میزان فساد اداری پایین می‌آید و توسعه سیاسی پایدار بر عرصه سیاسی کشور حاکم می‌شود (← نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۳-۳۳۲).

در جدول ۱، مؤلفه‌های توسعه سیاسی علوی در قالب مدل 3C، به سه شاخه رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای دسته‌بندی شده است.

جدول ۱. تطبیق مؤلفه‌های توسعه سیاسی استخراج شده از دیدگاه امام علی (ع)

با مدل 3C همراه با استناد به منابع

نوع عامل	شاخص	نوع شاخص	استناد به منابع
رفتاری	حاکمیت اصل نظم فردی	ایجابی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۴۷، ص ۴۳۷
	رضایت توده مردم	ایجابی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶
	اصل سعه صدر	ایجابی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۱، ص ۴۴۲
	امانت‌دانستن مسئولیت حکومتی	ایجابی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵، ص ۳۷۵
	پرهیز از استبداد و ظلم فردی و بین فردی	سلبی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶
	تقویت روحیه خودنظارتی	سلبی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۴-۵
	نگرش به پست و مقام به مثابه امانت و تعهد الهی	ایجابی	نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵، ص ۳۷۵

۴۶ ویژگی‌های حکومت توسعه‌یافته در پرتو رهنمودهای امام علی (ع)

عمل به وعده‌ها	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۶۱	دو اصل سازندگی
عدالت فردی	ایجابی	غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۵۲-۷۴۱	
نظام شایسته‌سالاری در انتصابات حکومتی	ایجابی	غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۳۷۶؛ نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۴، ص ۲۲	
وقت‌شناسی سیاسی	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۷۷: خطبه ۵، ص ۲۲	
عدالت ساختاری	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۷۷: خطبه ۱۵، ص ۶۱	
انطباق پست و شرایط احراز آن	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۳-۴۵۲ و ۵-۴۴۴	
حاکمیت انضباط	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۴۷، ص ۴۳۷	
ارتباط دوجانبه مسئولان و مردم	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۲۱۵، ص ۳۴۰	
اصل نظارت و پاسخگویی	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۸	
اصل سلسله‌مراتب	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۵	
حاکمیت گفت‌وگو و پرهیز از خشونت	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: حکمت ۴۴۶، ص ۵۷۴-۵	
پرهیز از استبداد و ظلم ساختاری	سلبی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶	
اصل مشروعیت نظام	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳	
رایزنی با متخصصان و دانشمندان در کلیه مراحل پیشرفت	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۹	
لزوم طرح‌ریزی برنامه راهبردی	ایجابی	غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۱: ۳-۷۰۲	
برخورد با سهل‌انگاران و متخلفان	سلبی	پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۵۳	
ضرورت آگاه‌سازی مردم	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳	
پرهیز از ویژه‌خواری	سلبی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶	
پرهیز از نبرنگ در سیاست	سلبی	قزوینی، ۱۳۷۱: ۵۱	
سیستم اطلاعاتی هدفمند	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳	
اصل انعطاف‌پذیری در امور	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۴۶، ص ۴۳۷	
بسیج منابع	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۹	
همکاری بین تمامی اقشار جامعه	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳	
فرهنگ ظلم‌ستیزی	سلبی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۶	
فرهنگ نقدپذیری	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۷۷: خطبه ۱۱۷، ص ۲۷۵	
اجتناب از فردمحوری و نیاز به کار گروهی	سلبی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۸-۴۴۷	
توسعه مشارکت اجتماعی	ایجابی	المحمودی، ۱۹۶۸: ۸-۳۹۰	دو اصل زمینه‌ای

پژوهش‌نامه علوی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲

عدالت زمینه‌ای	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۷۷: خطبه ۱۵، ص ۶۱
پایبندی به اصول اسلامی	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۴۴
میان‌روی در امور	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: خطبه ۱۵، ص ۳۱
فرهنگ قانون‌پذیری	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۵۳، ص ۴۶۱
پذیرش فرهنگ انعطاف‌پذیری و گشادگی در برابر تغییر	ایجابی	نهج البلاغه، ۱۳۸۶: نامه ۴۶، ص ۴۳۷

در دیدگاه علوی، توسعه سیاسی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است در جهت نیل به کمال انسان به‌مثابه اشرف مخلوقات؛ و شرط رسیدن به توسعه مطلوب از دیدگاه امام(ع)، دستیابی بشر به حیات معقول یا حیات طیبه است. توسعه علوی، فرایندی جهت‌دار است و هدف نهایی آن رسیدن انسان به کمال شایسته مقام او است که براساس جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان قرب الی‌الله است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۶: ۸۷-۶۱).

۷. بحث و نتیجه‌گیری

از دوران حکومت‌داری امیرالمؤمنین علی(ع) تا عصر کنونی، هر حکومتی که هدفش تحقق جامعه عدل شایسته حیات انسانی بوده، با حکومت علوی قیاس شده است. این مسئله، بیانگر یکی از تفاوت‌های بنیادی جوامعی چون ایران و جوامع غربی است که هیچ‌گونه ملاک و معیاری برای مقایسه ندارند و به وضع موجود رضایت می‌دهند. داشتن ملاک برای ارزیابی حکومت‌ها و نیز سوق‌دادن حکومت‌ها برای تنظیم خود با آن ملاک، یکی از بنیان‌های اصلی توسعه‌یافتگی برای یک جامعه است.

با پیشرفت‌های صورت‌گرفته در زمینه توسعه سیاسی و نیز تعریف شاخص‌های جدید برای ارزیابی آن، مشخص شد که با گذر زمان، تعاریف نوین از توسعه سیاسی، به تعاریف اسلامی نزدیک‌تر می‌شوند؛ اما در کشورهای اسلامی کمتر به این سرمایه معنوی و اثرگذار توجه شده است.

در برخی از کشورهای پیشرفته، مدل‌های موفق در زمینه توسعه سیاسی پایدار طراحی و پیاده‌سازی شده اما تجربه نشان داده است که این مدل‌ها را نمی‌توان عیناً در کشوری دیگر پیاده کرد. شناخت ابعاد توسعه سیاسی با استفاده از منابع قرآن، سنت و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) یک ضرورت است؛ زیرا ساخت مدلی مادر از توسعه سیاسی جز در انطباق با ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی یک ملت امکان‌پذیر نیست.

در این پژوهش، مؤلفه‌های توسعه‌ی سیاسی پایدار، در قالب سه شاخه‌ی رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای دسته‌بندی شد (جدول ۲).

جدول ۲. مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار در پرتو بیانات امام علی(ع) در قالب مدل 3C

مدل 3C			
نوع توسعه	مؤلفه‌های رفتاری	مؤلفه‌های ساختاری	مؤلفه‌های زمینه‌ای
توسعه‌ی آذری - سیاسی	۱. حاکمیت اصل نظم	۱. نظام شایسته‌سالاری در انتصابات حکومتی	۱. همکاری بین تمامی اقشار جامعه
	۲. پابندی به اصول اسلامی	۲. عدالت	۲. پرهیز از استبداد و ظلم
	۳. رضایت توده‌ی مردم	۳. انطباق پست و شرایط احراز آن	۳. فرهنگ نقدپذیری
	۴. اصل سعه‌ی صدر	۴. حاکمیت انضباط	۴. اجتناب از فردمحوری و نیاز به کار گروهی
	۵. امانت دانستن مسئولیت حکومتی	۵. ارتباط دوجانبه‌ی مسئولان و مردم	۵. پرهیز از نیرنگ در سیاست
	۶. پرهیز از استبداد و ظلم	۶. اصل نظارت و پاسخگویی	۶. توسعه‌ی مشارکت اجتماعی
	۷. تقویت روحیه‌ی خودنظارتی	۷. اصل سلسله‌مراتب	۷. عدالت
	۸. نگرش به پست و مقام به‌مثابه‌ی امانت و تعهد الهی	۸. حاکمیت گفتمان و پرهیز از خشونت	۸. پابندی به اصول اسلامی
	۹. وقت‌شناسی سیاسی	۹. پرهیز از استبداد و ظلم	۹. نگرش به پست و مقام به‌مثابه‌ی امانت و تعهد الهی
	۱۰. عمل به وعده‌ها	۱۰. اصل مشروعیت نظام	۱۰. اصل اعتدال
	۱۱. عدالت	۱۱. پابندی به اصول اسلامی	۱۱. عمل به وعده‌ها
		۱۲. رایزنی با متخصصان و دانشمندان در کلیه‌ی مراحل توسعه	۱۲. برابری درمقابل قانون
		۱۳. لزوم طرح‌ریزی برنامه‌ی راهبردی	۱۳. اصل انعطاف‌پذیری در امور
	۱۴. برخورد با سهل‌انگاران و متخلفان	۲۲. بسیج منابع	
	۱۵. ضرورت آگاه‌سازی مردم		
	۱۶. پرهیز از ویژه‌خواری		
	۱۷. پرهیز از نیرنگ در سیاست		
	۱۸. عمل به وعده‌ها		
	۱۹. سیستم اطلاعاتی هدفمند		
	۲۰. اصل نظارت و پاسخگویی		
	۲۱. اصل انعطاف‌پذیری در امور		

برخی از شاخص‌ها در بیش از یک شاخه دسته‌بندی شده‌اند؛ علت را می‌توان در گستردگی و تعمیم‌پذیری این شاخص‌ها جست‌وجو کرد. برای مثال، مفهومی چون عدالت را می‌توان در هر سه شاخه دسته‌بندی کرد؛ زیرا عدالت در بعد رفتار فرد، فرهنگ عدالت و ساختار عدالت‌جو مطرح می‌شود.

بیشترین تعداد مؤلفه در شاخه ساختاری هست. به‌نظر می‌رسد در توسعه سیاسی از دیدگاه مکتب علوی، اصلاح ساختار، قوانین، مقررات و رویه‌ها، بیشترین تأثیر را در گذار از دوران فقر و توسعه‌نیافتگی داشته باشند؛ و از آنجا که بیشتر این وظایف برعهده حکومت اسلامی قرار داده شده است، می‌توان گفت دولت مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش را در فراگرد توسعه سیاسی پایدار برعهده دارد.

استفاده از دیدگاه‌های امام علی (ع) در زمینه‌های مختلف، همواره نتایج درخور توجهی در روند پیشرفت و ترقی کشور ما داشته؛ حال آنکه تاکنون، ما در زمینه توسعه سیاسی دیدگاه‌های امام (ع) کمتر مدنظر قرار گرفته است. برای نظام سیاسی فعلی کشورمان، توسعه سیاسی علوی توصیه می‌شود؛ و کاریست این تفکر موجب ارتقای کیفی نظام مدیریت سیاسی کشورمان خواهد شد. با تأمل بر پیامدهای تسلسلی یافته‌های علمی و آثار ادبی، و با در نظر گرفتن شرایط دوران حکومت امام علی (ع) و آثار بدیع آن، می‌توان ادعا کرد که تأثیر این حکومت بر جریان‌سازی و تحول ادبیات حکمرانی در گذر تاریخ، شگرف و بی‌نظیر بوده است.

پی‌نوشت

۱. میزان، رأی ملت است. (امام خمینی (ره)، سخنرانی ۱۳۵۸/۰۳/۲۵ در جمع اقشار مردم)

منابع

قرآن کریم

- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۸). *مختصات حکومت حق‌مدار در پرتو نهج‌البلاغه*، علمی - فرهنگی.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). *عهده‌نامه امیر*، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۶). «شاخص‌های توسعه انسان‌محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۸، ص ۷۸-۶۱.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴). «ارائه الگوی بومی مبتنی بر دیدگاه‌های امام علی (ع) با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی»، *فرهنگ مدیریت*، سال سوم، شماره هشتم، بهار، ص ۱۴۶-۱۰۱.

۵۰ ویژگی‌های حکومت توسعه‌یافته در پرتو رهنمودهای امام علی(ع)

عابدی جعفری، حسین؛ تسلیمی، محمد؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد(۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۲۳، ص ۱۹۸-۱۵۱.

عالم، عبدالرحمن(۱۳۸۲). *بنیادهای علم سیاست*، نشر نی.

علیخانی، علی‌اکبر(۱۳۷۹). *توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)*، سازمان تبلیغات اسلامی.

علیخانی، علی‌اکبر(۱۳۸۱). *توسعه سیاسی از دیدگاه نهج‌البلاغه*، تهران: امیرکبیر.

غررالحکم و دررالکلم؛ کلمات قصار امیرالمؤمنین(ع)(۱۳۸۱). ترجمه مهدی انصاری قمی، امام عصر.

قزوینی، عبدالکریم(۱۳۷۱). *بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیر مؤمنان(ع)*، قم: انتشارات نجفی.

قورچیان، نادرقلی(۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی ملی - منطقه‌ای*، انتشارات علوم تحقیقات.

المحمودی، محمدباقر(۱۹۶۸). *نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه*، جلد پنجم، بیروت: مؤسسه‌المضامین‌الفکری.

مطهری، مرتضی(۱۳۸۶). *مجموعه آثار*، چاپ نهم، صدرا.

نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین علی(ع)(۱۳۷۹). گردآوری ابوالحسن محمدبن‌الحسین سیدرضی، ترجمه جواد فاضل، انتشارات افراسیاب.

نهج‌البلاغه(۱۳۶۹). ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات شرکت علمی - فرهنگی.

نهج‌البلاغه، مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی(ع)(۱۳۷۷). گردآوری ابوالحسن محمدبن‌الحسین سیدرضی، ترجمه عبدالحمید آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج‌البلاغه.

نهج‌البلاغه، گزیده سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)(۱۳۸۶). گردآوری ابوالحسن محمدبن‌الحسین سیدرضی، ترجمه سیدمحمد مهدی جعفری، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.

- Braun, V. & Clarke, V.(2006). "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology* 3(2), 77-101.
- Conn, R. W.(August 1994). "Strategic Goals and Development Pathways for Fusion", *Fusion Engineering and Design* 25, 1-4.
- Huntington, S. Joan Nelson(1976). *No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries*, Harvard University.
- Jørgensen, M.(February 2004). "A Review of Studies on Expert Estimation of Software Development Effort", *Journal of Systems and Software* 70, 37-60.
- Kelman, H. C.(1958). "Compliance, Identification and Internalization: Three Process of Opinion Change", *Journal of Conflict Resolution* 2, 51-60.
- Korhonen, Jouni(2004). "Industrial Ecology in the Strategic Sustainable Development Model: Strategic Applications of Industrial Ecology", *Journal of Cleaner Production* 12, 809-823.
- Lélé, Sharachchandra M.(June 1991). "Sustainable Development: A Dritical Review", *World Development* 19, 607-621.

پژوهش‌نامه علوی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲

- Mirzai Ahranjani, Hassan(1976). *Rural Development in Theory and Practice*(A Dissertation Presented to the Faculty of the School of Public Administration University of Southern California, California).
- Morito, Bruce(spring 2000). “Language, Sustainable Development and Indigenous Peoples: An Ethical Perspective”, *Ethics and the Environment* 5, 47-60.
- Pareto. V. (1991). *The Rise and Fall of Elites*, New Brunswick.
- Ramos, A. G. (1974). *The Changing Meaning of Development*, abstract of an unpublished paper, University of Southern California.
- Tsai, Wen-Hsien & Chou, Wen-Chin(March 2009). “Selecting Management Systems or Sustainable Development in SMEs: A Novel Hybrid Model Based on DEMATEL, ANP, and ZOGP”, *Expert Systems with Applications* 36, 1444-1458.
- Tullis, Lamond F. (1973). *Politics and Social Change in Third World Countries*, New York: Wiley.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی